

( حال مامی بین مبین هر گز بسوی کردار ما )

( صدکرة افتاده است از دست ما در کار ما )

بسمل هندوستانی - بقیه دارد

## (عقیده ژان ژاک روسو)

بقیه از شمار های قبل

از همان عتقوان جوانی و مراحل ابتدائیه عمر روح ساده بی آرایش مارا در تحت يك تربیت سفیهانه پرورش داده و از اثر آن ادراک و مشاعر مارا فاسد نمودند .

مؤسسات عریض و طویل که با مخارج گزاف اداره میشود برای تربیت جوانان ما تأسیس شده ولی متأسفانه همه چیز بانها می آموزند جز علم تکلیف و ادای وظیفه . اطفال ما زبان مادری خود را نیاموخته و به تمام قواعد آن جاهلند . معذک زبان های دیگری را که در تمام عمر در هیچ جا محل استعمال آن اتفاق نمی افتد تحصیل می کنند اشعاری می سرایند و عباراتی می بافند که خودشان هم از فهم آن عاجزند ولی برای رفع اشتباهاتیکه جمال حقیقت را محبوب داشته چون عقول آنها قاصر است صنعت مخصوصی بکار می برند که بایک رشته مقدمات طولانی عبارات خود را مغلط و کلمات را برای دیگران نامفهوم کنند .

برای زینت عبارات و کلمات تا این اندازه میکوشند ولی کلمات

علم و همت، انصاف، عدالت، انسانیت، شهامت بکلی از دفتر خاطر آنها محو و زائل شده و کلمه شیرین وطن هرگز بگوش آنها نرسیده و اگر گاهی هم از خداوند عالم اسمی بر زبان آرند برای تخویف و تهدید دیگران است والا بهیچ وجه خوف خدا در دل آنها راه ندارد.

یکی از عقلاء میگوید: من دوست میدارم بیشتر شاگردانم وقت خود را بمشقت بازی بگذرانند زیرا که اقلاً اگر بدن آنها بواسطه این ورزش صحیح و سالم شود بهتر از این است که دماغ آنها از علوم موهومه پر گردد گرچه بر من معلوم شده که اطفال را باید همیشه مشغول داشت و بی کاری يك خطر بزرگی است که حتی الامکان باید از آن احتراز کرد ولی برای اشغال اوقات آنها آیا چه علمومی را باید بانها آموخت این يك مسئله بسیار مهمی است.

این اطفال باید چیزی را بیاموزند که هم در اوقات جوانی وهم در ایام پیری بتوانند از آن استفاده کنند نه چیزهایی را که امروز یاد می گیرند و فردا فراموش می کنند.

عمارات و باغات ما از مجسمه های بدیع المنظر مزین نالارها و عمارات ما از پرده های حیرت انگیز مطرز است ولی آیا این شاهکارهای مصنوعی که در معرض انظار عمومی گذاشته شده و دیدگان تماشاگران را از دیدار خود خیره می کنند چه خدمتی می توانند برای رفع حوائج مابجای آورند آیا مدافع وطن ما میشوند یا بجای همان صاحبان خود می توانند امروزه هم عوامل بزرگی و عظمت ما باشند

خیر خیر !!

این افسکار و بازیچه ها سرمشقی و نمونه ضلالت قلب و گمراهی عقلند که از بقایای افسانه‌های قدیم و اساطیر الاولین در انتریک تردستی و مهارت برای ما باقی مانده و قبل از آموختن کتابت و نوشتن خاطر کنج کاو اطفال را بخود مشغول داشته اند تا بتوانند در موقع لزوم مقابل چشمان آنها شاهی برای اعمال سیئه خود اقامه کنند و آنها را دلیل تشخیصات و امتیازات خود قرار دهند .

هرگاه این تفاوت طبقاتی و عدم مساوات که مشنوم‌ترین آفات انسانیت است در خانواده بشر داخل نشده بود این درجه افراط کاری و فضیلت کشی‌ها از کجا تولید میشد ؟

دلیل این مطلب آنکه از اثر همین تحصیلات خطرناک و وقتی شخصی را ملاقات می‌کنند از مراتب دیانت و امانت و شرافت او نمی‌پرسند و فقط سؤال میکنند که کدام هنر و علم را آموخته‌است هیچ کتابی را از نقطه نظر اینکه مفید و نافع است مطالعه و قرائت نمی‌نمایند و فقط طرف توجه آنها کتابت است که بخط خوب نوشته شده یا صنایع بدیهه در آن بکار رفته‌است .

مثلا ظرفا و بذله گویان سخن سنجان و خوش طبعان را نوازش و قدردانی نموده و گاهی در بذل مال و صرف اموال نسبت بانها اصرار و تبذیر می‌کنند در صورتیکه مردمان فاضل متقی همیشه در نظر آنها موهون و بهیچ وجه در پیش آنها موقعیتی ندارند هزار قسمت از اموال خود را صرف کلمات قشنگ عبارات ظریفه

صنایع بدیعه و مردمان بذله گوی می کنند ولی برای اعمال و اخلاق نیک هیچ اجری منظور نمی دارند .

مردمان دانشمند هرگز در پی بخت و اقبال یا جمع ثروت و مال نیستند و تمام مساعی و مجاهدات آنها برای تحصیل شرف و افتخار است و وقتی که می بینند که سعادت و مال بیک طریق غیر عادلانه در مابین افراد بشر تقسیم شده روح تقوی و فضیلت آنها که ممکن بود باندک تشویقی بحرکت و اهتزاز در آمده و برای هیئت جامعه فوائد و منافع بیشماری تهیه نماید از تصور این خیال در حالت ضعف و سستی و یأس و ناامیدی افتاده و در نتیجه در تنگ نای فقر و فاقه و زوایای نسیان و فراموشی مرده و افسرده خواهد شد .

این نتیجه همان است که در مدهای متمادیه و در تمام نقاط عالم هنرها و صنایع قشنگ و دلربا را بر اعمال و افعال مفید و نافع ترجیح داده‌اند و تجربه هم روز بروز این مسئله را ثابت می کند که بهر اندازه علوم و صنایع تجدید و تکمیل می شود این حس در میان مردم بیشتر منسبط و مستحکم میگردد .

اینهمه طبیعیون مهندسین شیمیست‌ها قوسین‌ها منجمین شعراء موزیسین‌ها نقاش‌ها و غیره که در مملکت هستند متاسفانه جامعه فاقد مردمان آزاد و احرار فداکار است و اگر احیاناً بندرت از این قبیل اشخاص هم ظهور کنند در اکناف یابانها و صحراها متفرق شده و از فرط فقر و فلاکت و شدت غم و غصه هلاک

خواهند شد اینست حال اشخاص زحمت کش کارگر و اینست احساسات ما نسبت بهمان زنجیر اینکه برای آسایش ما و اطفال ما به تحصیل نان و شیر عمر خود را میگذارند.

با همه این اوصاف من معترفم که هنوز شر و فساد بر خیر و صلاح غالب نیست و طبیعت با همان پیش بینی و احتیاط ازلی خویش در مجاورت نباتات مضره و گیاههای سمی مهلك یکدسته دیگر از جنس همان نباتات که بمنزله تریاق نافع و دوی قاطعند ایجاد نموده و در مقابل مواد سمیه بعضی حیوانات موزیه دوی ضد جراحت یا گزندگی آنها را تهیه و تهیه کرده تسلطین و اولیای امور و پیشوایان هر قوم بادیده عبرت از خط مشی او تقلید نموده و افعال حکیمانانه او را پیروی و تعقیب کنند.

بر طبق سر مشق طبیعت است که در بجزوه همین علوم و صنایع که سر چشمه هزاران بدبختی و اختلال بی نظمی بشمار میروند يك پادشاه بزرگوار که دم بدم شهرت افتخار جدیدی برای خود و مملکت اندوخته مینماید ظهور فرموده و مجامع علمی و اکادمی های معروف تأسیس کرده که در آن واحد هم مراتب تصفیه اخلاق خویش و تهذیب ملکات هیئت اجتماعیه بشرند و هم مامور استخراج دایع قیمتی معارف انسانیت هستند و هم مواظب تکمیل فرایض مقدسه اخلاق.

این تعلیمات مقدسه حکیمانانه که اعلیحضرت همایونی ابتکار و والا حضرت ولایت عهد تحکمیم و ابرام فرموده اند مرجع